

بررسی وضعیت موجود تربیت هنری از دیدگاه معلمان ابتدایی^۱

حسن یوسفی^۲

چکیده

تربیت هنری به‌عنوان یکی از کارکردهای اساسی نظام آموزشی است. این در حالی است که امروزه هنر، در برنامه‌های درسی ایران از جایگاه مناسبی برخوردار نیست، بنابر این پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت موجود تربیت هنری از دیدگاه معلمان انجام شد. روش پژوهش توصیفی-پیمایشی و جامعه آماری این پژوهش کلیه معلمان دوره ابتدایی ناحیه دو آموزش و پرورش قزوین در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بود. نمونه آماری شامل ۲۰۰ معلم بود که با روش در دسترس انتخاب شدند. با توجه به هدف و موضوع پژوهش داده‌ها مورد نظر از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده و در نهایت داده‌های گردآوری شده با استفاده از فراوانی، درصد، میانگین و آزمون T تک نمونه‌ای در نرم افزار SPSS-23 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که ساخت اشیاء هنری ($t=4/38, P<0/05$)، شناخت طبیعت و اجزای آن در خلقت، ($t=4/50, P<0/05$)، شناخت زیبایی‌های طبیعت ($t=4/34, P<0/05$)، شناخت میراث فرهنگی ($t=4/78, P<0/05$)، تقویت حواس پنج‌گانه ($t=4/67, P<0/05$)، درک قوانین جهان آفرینش از طریق مشاهده در آثار خلقت ($t=4/23, P<0/05$)، ایجاد علاقه مندی به اقوام ($t=4/20, P<0/05$)، آداب و رسوم ایران ($t=4/23, P<0/05$)، درک قوانین جهان آفرینش از طریق مشاهده در آثار خلقت ($t=4/10, P<0/05$)، کمتر از حد متوسط می‌باشد، بدین معنی که تربیت هنری در ابعاد مذکور در مدارس ابتدایی به خوبی صورت نمی‌گیرد. با عنایت به یافته‌های بدست آمده ضرورت دارد در مواردی مانند بیان داستان تخیلی توسط دانش آموزان، توجه دانش آموزان به محیط اطرافشان، پرورش هوش در حد متوسط می‌باشد باید تقویت شوند این در حالی است که به نظر می‌رسد با عنایت به مقتضیات، ارزش‌های فرهنگی و اصالت‌های بومی کشور، بهتر است تربیت هنری به عنوان مبنای نظری در طراحی برنامه‌های درسی هنری مد نظر مسئولان نظام آموزشی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تربیت هنری، طبیعت، زیبایی‌شناسی، تولید هنری، میراث فرهنگی هنری، نقد هنری.

^۱ تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۲/۵ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۲/۱۵

^۲ عضویت هیات علمی، دانشگاه فرهنگیان، قزوین، ایران. Hasanyousefi49@gmail.com

مقدمه

هنر پدیده‌ای است پیچیده و در عین حال روحانی، که از ابتدا با بشر همزاد بوده است. چه آن انسان‌هایی که در غارها زندگی می‌کردند و چه انسان‌هایی که امروز در دنیایی مملو از اضطراب و نگرانی دست و پا می‌زنند هنر را وسیله‌ای برای تشریح خاطر خود برگزیده‌اند. بر اساس همین نیاز است که هنر به عنوان یکی از موضوعات قابل آموزش در تمامی نظام‌های آموزشی مطرح است. سیری در تاریخ هنر نشان می‌دهد که رویکردهای متفاوتی در آموزش هنر برای خدمت‌رسانی به سایر «گرفته‌ها» تا «هنر برای هنر» مطرح بوده که از ارزش‌گذاری در نوسان است (فروست و نیلاندر^۱، ۲۰۲۰؛ فلاحی، صفری و یوسف فرحنگ، ۱۳۹۰) بعد هنری و زیبایی‌شناسی از جمله ابعاد وجودی انسان است که پرورش آن از طریق تربیت هنری محقق می‌گردد (رضایی، ۱۳۹۲).

حفظ استانداردهای بالای آموزشی منوط به قرار دادن هنر و زیباشناسی در مرکز و عنوان هسته اصلی اصلاح نظام آموزشی است (لیو و کان^۲، ۲۰۲۰). آرانس (به نقل از آقای ابرند آبادی، ماهرورزاده و ایمانی نائینی، ۱۳۹۹) اذعان می‌دارد که برنامه درسی هنر از طریق انتقال مهارت‌های ادراکی نقش مهمی در موفقیت دانش‌آموزان نه تنها در زمینه هنر، بلکه همه موضوعات درسی دارد. در هنر مراتبی است که به علت سازگاری با تخیل و اکتشاف می‌تواند به تحقق اهداف تعلیم و تربیت کمک نماید تربیت هنری در ابعاد مختلفی مانند بروز خلاقیت، رشد عاطفی و اخلاقی، پرورش قابلیت‌های گروهی و ارتباطی دانش‌آموزان دارای تأثیرات قابل ملاحظه‌ای است.

حوزه تربیت هنری^۳ یکی از حوزه‌های اساسی در نظام‌های تعلیم و تربیت دنیا می‌باشد. امروزه، تربیت هنری که ضامن استفاده شایسته از ظرفیت هنر است، به یکی از کانون‌های توجه سیاست‌گزاران در عرصه اصلاحات نظام آموزشی تبدیل شده است. آیزنر^۴ (۲۰۰۵؛ دی-

¹ Fürst, & Nylander

² Lai & Kan

³ Artistic Education

⁴ Eisner

بکر، لمبرتس، دی میتی، بوفل و الیس^۱، ۲۰۱۲) یکی از مهمترین گام‌ها برای اصلاح واقعی نظام‌های آموزشی را تدارک یک جایگاه معقول و مناسب برای تربیت هنری در برنامه‌های درسی می‌داند. بنابراین، اگر از صحنه عمل برنامه‌ریزان درسی حذف گردد موجبات پرورش جنبه زیبایی‌شناسی فرد و همچنین تأثیر آن در پرورش جنبه‌های دیگر فراهم نخواهد شد. از این رو دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت در طول تاریخ آموزش و پرورش و یا در کشورهای مختلف سعی کرده‌اند از این حوزه یعنی هنر و زیبایی‌شناسی برای تربیت انسان بهره گیرند (گنزالس-زامل و آبد-زیگورا^۲، ۲۰۲۱).

در خصوص ضرورت تربیت هنری دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که از میان آنها می‌توان به دو دیدگاه ماهیت‌گرایان و ابزارگرایان اشاره کرد. ماهیت‌گرایان، تربیت هنری را منبع دانش، عقاید و ارزش‌ها در مورد انسان و جهان در نظر می‌گیرند و آن را بخش اساسی از آموزش و پرورش شهروندی می‌دانند (لموچویس^۳، ۲۰۲۱). از پیروان این طرز فکر می‌توان آیزنر (۲۰۰۵) صاحب‌نظر مشهور حوزه مطالعات برنامه درسی را نام برد. وی معتقد است که هنر باید جزئی ضروری از ساختار آموزش و پرورش به شمار آید. اما ابزارگرایان، تربیت هنری را از منظر تأثیر و کمکی که هنر به حصول و تحقق سایر اهداف آموزشی می‌کند، می‌نگرند و گنجاندن هنر در برنامه درسی را به عنوان زمینه‌ای برای بروز احساسات و بیان خلاقانه دانش-آموزان در نظر می‌گیرند. از این منظر، هنر، دستیابی انسان را به دانش، بصیرت، ارزش‌ها و معانی (برای مثال، درون‌بینی، تعالی روح و احساس ذوق) که در هیچ یک از حوزه‌های محتوایی دیگر برنامه درسی وجود ندارد، فراهم می‌آورد. به همین دلیل است که هدف از آموزش هنر، خصوصاً در مدارس، هنرمند شدن دانش‌آموزان نیست، بلکه تقویت شناخت دانش‌آموز از پیرامون خویش است (رضایی، ۱۳۹۲). پرکینز^۴ (۱۹۹۲) از برجسته‌ترین اندیشمندانی است که بر کارکرد ابزاری هنر اصرار ورزیده و با تأکید بر نقش تربیت هنری در

¹ De Backer, Lombaerts, De Mette, Buffel, & Elias

² González-Zamar, & Abad-Segura

³ Lemonchois

⁴ Perkins

تحقق اهداف شناختی و رشد مهارت‌های فکری پیشرفته در دانش‌آموزان، برای مشروعیت- بخشی تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش تلاش کرده است.

آیزنر (۲۰۰۵) مهمترین اهداف و کارکردهای تربیت هنری را در پنج مقوله خلاصه کرده است، که عبارتند از: ۱- ارتباط با طبیعت، ۲- زیبایی‌شناسی^۱، ۳- تولید محصول هنری^۲، ۴- آشنایی با تاریخ و میراث فرهنگی هنری^۳، و ۵- نقد هنری^۴.

۱-ارتباط با طبیعت. بین انسان و خلقت، تعاملی درونی، پویا و متوازن و ارتباطی پیوسته وجود دارد و این همان نیرویی است که در فرهنگ و هنر نیز می‌توان آن را دریافت. آمیختگی با طبیعت و تأثیرپذیری از آن، در زندگی و آثار انسان هویدا است. کودکان می‌توانند از عناصری چون شکل، رنگ و صدا برای ایجاد ریتم، بافت، تناسب، تعادل، تقارن و دیگر ویژگی‌های طبیعت در آثار هنری خود بهره گیرند. ۲-زیبایی‌شناسی هنر. مبتنی بر شناخت و خلق زیبایی است و آفرینش یک اثر زیبای هنری، جز با شناخت مفهوم جمال و زیبایی میسر نمی‌شود. با بیان واقعیت‌های زیبا و بیان زیبایی واقعیت‌ها و خلق زیبایی‌هایی که وجود خارجی ندارند، هنر از مرحله تقلید از طبیعت هم فراتر می‌رود. آشنا کردن کودکان با زیبایی‌های موجود در خلقت باعث شادی آن‌ها و آماده شدنشان برای شناخت زیبایی‌های معنوی و زیبایی مطلق، که همانا ذات حضرت حق است، می‌شود. در نتیجه کودکان می‌توانند در آثار خود، زیبایی‌ها را براساس قوه درک و شناخت خود نمود بخشند (جاویدی و عبدلی، ۱۳۹۶). ۳-تولید محصول هنری. انسان به عنوان مظهر خلاقیت و ابداع الهی و به واسطه نیروی تفکر، تخیل و قدرت آفرینندگی، ذاتاً به نوآوری علاقمند است. کودکان در فرایند فعالیت هنری، راه‌های مناسب‌تری برای بیان احساسات خود کشف می‌کنند و ایده‌ها و احساساتشان را در قالب محصولات هنری تازه ارائه می‌دهند. بدین ترتیب در هر خلاقیت هنری، دانش‌آموزان بین ابزار، اشیاء، تفکرات، احساسات و تخیلات خود ارتباطی تازه برقرار می‌سازند و به پدیده‌ها و اشیاء

¹ aesthetic

² art making

³ art History

⁴ art criticism

پیرامون خود، نگاهی متفاوت پیدا می‌کنند. این گونه است که آنان با انواع صورت‌های دیداری، شنیداری و... خیال پردازی می‌کنند و به ابداع و خلق آثار تازه دست می‌زنند (فیروزی، سیفی، حسینی مهر و فقیهی، ۱۳۹۷). ۴- آشنایی با تاریخ و میراث فرهنگی هنری. در جریان تربیت هنری، کودکان با فرهنگ و هنر ایران و جهان آشنا می‌شوند. آثار باستانی و اشیائی را که سالیان دراز از زمان تولد و شکل‌گیری آن‌ها می‌گذرد، اما به علت وجود مادی، عینی و پایدارشان باقی مانده‌اند و هنوز در مقابل دیدگان ما هستند، میراث فرهنگی هنری مادی می‌نامیم. بسیاری از آثار مکتوب، اشیاء قدیمی و بناها و محوطه‌های باستانی که شاهکارهای معماری، شهرسازی و... هستند، ارزش تاریخی و هنری درخور توجهی دارند. علاوه بر آثار ملموس و مادی، میراث فرهنگی غیرملموس و معنوی هم بسیار اهمیت دارند. این آثار وجود خارجی ندارند اما مصداق‌های آن‌ها درک شدنی و در دسترس است که شامل تمامی تفکرات، اعتقادات، قصه‌ها، آداب و رسوم، زبان و هنر در طی زمان است و حتی انسان‌ها را که حامل دانش و فرهنگ موروثی نیاکان خود هستند و در طول زمان آن‌ها را محفوظ داشته و به کمال رسانده‌اند، شامل می‌شود. میراث فرهنگی که گنجینه‌ای از دانش‌ها، مهارت‌ها، فنون، عواطف، زیبایی‌ها و هنرهاست، می‌تواند الهام بخش اندیشه و کار هنری ما و آیندگانمان باشد و نیز، به ما در رسیدن به ایده‌ها و آثار جدید علمی و هنری کمک کند (فیروزی، سیفی، حسینی مهر و فقیهی، ۱۳۹۷). ۵- نقد هنری. نقد فنی است که به توصیف و تجزیه و تحلیل آثار ادبی و هنری و سنجش جنبه‌های کمی و کیفی و ماهوی آن‌ها می‌پردازد. هدف نهایی نقد، داوری کردن یا دادن معیارهایی برای داوری است. منتقد علاوه بر سنجش ارزش‌ها و عیب‌های یک اثر، نکته‌های نهفته و ناگفته آن را بیان می‌کند و توضیح می‌دهد و از این نظر، در پرورش ذوق و سلیقه افراد هنرمند و هنردوست یا خوانندگان مؤثر است. در پایان هر فعالیت هنری، لازم است کودکان را تشویق کنیم تا فعالیت و اثر هنری خود و دانش‌آموزان دیگر را توصیف کنند و توضیحاتی برای بهتر شدن آن‌ها بدهند. به این ترتیب، مقدمات آشنایی کودکان با نقد و تجزیه و تحلیل فراهم می‌شود (راهنمای برنامه درسی فرهنگ و هنر، ۱۳۹۲).

از جمله مبانی فلسفه تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزی درسی، ارزش‌شناسی، زیبایی‌شناسی و تربیت هنری است که هم برگرفته از دو مبنای دیگر تربیت، یعنی هستی‌شناسی و معرفت-

شناسی و هم مکمل آن است. اما گاه غایت تربیت در همان قلمرو شناخت دانش و معرفت مسکوت مانده و به رغم پیشینه غنی هنر در نزد ایرانیان، توجه به مؤلفه‌های تربیت هنری در فرایند آموزش و پرورش مغفول مانده است (رضایی، ۱۳۹۲). این در حالی است که شواهد پژوهشی موجود نشان می‌دهد که امکان کاربرد رویکرد تربیت هنری در سایر برنامه‌های درسی از جمله در آموزش مفاهیم علوم تجربی (شرفی، ۱۳۹۱)، ریاضیات (پریولو و چرنوبیلسکی^۱، ۲۰۰۹؛ هوای و حسین^۲، ۲۰۱۲)، و مطالعات اجتماعی (بروم، پیرا و اندرسون^۳، ۲۰۰۷)، وجود دارد. پریولو و چرنوبیلسکی (۲۰۰۹) در پژوهش خود نشان دادند که اگر چه دانش‌آموزانی که مفاهیم ریاضی را از طریق هنر آموزش دیده بودند نسبت به گروه گواه نمرات بالاتری در آزمون ریاضی کسب نکردند، اما فهم عمیق‌تری از محتوای ریاضی که به همراه هنر ارائه شده بود، به دست آوردند. بروم، پیرا و اندرسون (۲۰۰۷) نیز در پژوهش خود نشان دادند که از نقد هنری که از مولفه‌های تربیت هنری است، می‌توان به عنوان ابزاری مناسب برای پرورش توان تحلیل و ارزیابی و تمرینی برای نقد مسائل اجتماعی در درس مطالعات اجتماعی استفاده کرد. علاوه بر این، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تربیت هنری در بروز خلاقیت (یوپیتیس^۴، ۲۰۰۹؛ اتکینسون و میشل^۵، ۲۰۱۰)، رشد عاطفی و اخلاقی، ایجاد مهارت‌های حرکتی، پرورش قابلیت‌های گروهی و ارتباطی (مهرمحمدی و امینی، ۱۳۸۰)، افزایش قدرت تفکر انتقادی فراگیران (لمپرت^۶، ۲۰۰۶)، و انگیزش یادگیرندگان (لیونگ و لیونگ^۷، ۲۰۱۰) دارای تأثیرات قابل ملاحظه‌ای است.

تربیت هنری به‌عنوان یکی از کارکردهای اساسی نظام آموزشی است. این در حالی است که امروزه هنر، در برنامه‌های درسی ایران از جایگاه مناسبی برخوردار نیست و تربیت هنری جدی گرفته نمی‌شود. در سوی دیگر شکوفاسازی ظرفیت‌های هنری دانش‌آموزان از

¹ Prilo & Chernobilsky

² Huey & Hussein

³ Broome, Pereira & Anderson

⁴ Upitis

⁵ Atkinson & Mitchell

⁶ Lampert

⁷ Leung

رسالت‌های مهم آموزش و پرورش در سند تحول بنیادین است. از یک سو محورهای پنج‌گانه تربیت هنری متشکل از ارتباط با طبیعت، زیبایی‌شناسی، تولید هنری، آشنایی با تاریخ و میراث فرهنگی-هنری و نقد هنری و از سوی دیگر ساختار محتوایی کتاب‌های درسی فرهنگ و هنر شامل هنرهای تجسمی، خوشنویسی، هنرهای سنتی، آوایی و نمایشی همگی موضوعاتی هستند که می‌بایست در پرورش توانمندی‌های بالقوهٔ آدمی، مد نظر برنامه‌ریزان قرار گیرند. از این رو، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که وضعیت موجود تربیت هنری از دیدگاه آموزگاران مدارس دوره ابتدایی ناحیه دو قزوین چگونه است؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

این پژوهش با روش توصیفی از نوع پیمایشی انجام شد. کلیه آموزگاران مدارس ابتدایی ناحیه دو شهر قزوین در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل دادند. با استفاده از فرمول کوکران ۲۰۰ نمونه از بین جامعه آماری به روش دردسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها ابتدا به پرسشگران آموزش‌های لازم شامل چگونگی ارتباط با نمونه و ارائه توضیحات لازم در صورت نیاز به نمونه ارائه شد و هدف تحقیق برای آنها توضیح داده شد شدند پرسشگران بعد از توضیح دربارهٔ پژوهش، پرسشنامه‌ها را در اختیار افراد مورد پژوهش قرار دادند و پس از تکمیل، آنها را جمع‌آوری نمودند. پرسشنامه‌ها با ۲۵ درصد افت عودت داده شدند. محقق ناگزیر مجدداً از طریق پی‌گیری و تکثیر پرسشنامه کلیه نمونه آماری را تحت پوشش قرار داد. بدین ترتیب داده‌های لازم از طریق پرسشنامه گردآوری شد. در این پژوهش ملاحظات اخلاقی شامل رعایت صداقت و امانت‌داری علمی، رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش، رعایت حق بی‌نام بودن مقیاس‌ها و ناشناس ماندن آزمودنی‌ها و محرمانه نگه داشتن اطلاعات آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش از روش‌های آمار توصیفی شامل جدول توزیع فراوانی، فراوانی نسبی، درصد فراوانی نسبی، فراوانی تجمعی، میانگین، انحراف معیار، و آمار استنباطی شامل آزمون t تک نمونه‌ای در نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ استفاده شد.

ابزار پژوهش

۱- پرسشنامه جمعیت شناختی: در این پرسشنامه سوالات مربوط به جنسیت (زن و مرد)، سن (به سال) سابقه (به سال)، مدرک تحصیلی (دیپلم و فوق دیپلم و لیسانس و بالاتر)، پرسیده شد.

۲- پرسشنامه محقق ساخته ویژه معلمان. این پرسشنامه شامل ۶۰ سؤال (بصورت مقیاس لیکرت پنج گزینه ای) بود که برای سنجش وضعیت موجود تربیت هنری در مدارس ابتدایی، وضع موجود کاربرد هنر در مدارس ابتدایی، روش های ارزشیابی تربیت هنری، کاربرد هنردر مدارس با توجه به رویکرد سند تحول بنیادین، و مشکلات و موانع آموزش درس هنر در مدارس ابتدایی از دیدگاه معلمان ساخته شد. ضمن سوالات استاندارد شده بر اساس محتوای کاربرد هنردر مدارس با توجه به رویکرد سند تحول بنیادین طراحی شد. برای طراحی سوالات پرسشنامه پنج نفر از استادان دانشگاه فرهنگیان و آموزگاران هنر که دارای تجربه کافی در رشته هنر و تحلیل محتوا داشتند انتخاب شدند. ۶۶ سوال طراحی شد. سوالات بر روی ۵۰ نفر به عنوان نمونه آزمایش اجرا شد کلیه شاخص های مورد نظر در هر سؤال محاسبه شد و سؤالاتی که شاخص های لازم را کسب نمودند انتخاب و بقیه سوالات حذف شدند. برای تعیین روایی پرسشنامه به دو نفر از اساتید دانشگاه و سه نفر از کارشناسان ارشد آموزش های ضمن خدمت و دانشگاه فرهنگیان شهر قزوین مراجعه و بر اساس نظر آنها پرسشنامه مورد نظر اصلاح گردید. برای پایایی یا اعتبار پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد. برای پایایی سوالات وضعیت موجود تربیت هنری در مدارس ابتدایی، وضع موجود کاربرد هنر در مدارس ابتدایی، روش های ارزشیابی مناسب جهت تربیت هنری، کاربرد هنردر مدارس با توجه به رویکرد سند تحول بنیادین و مشکلات و موانع آموزش درس هنر می باشد. مولفه ها و سوالات مربوط به هر مولفه در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۱: مولفه ها و سوالات مربوط به هر مولفه در پرسشنامه تربیت هنری

سؤالات مربوط به هر مولفه	مولفه ها
۱-۲۱-۲۲-۲۳-۴۰	بیان داستان تخیلی توسط دانش آموزان
۲-۱۷-۲۵-۲۶-۳۸-۴۵-۵۴-۵۵	توجه دانش آموزان به محیط اطرافشان
۳-۱۱-۱۲-۱۸-۱۹-۲۴-۲۷-۴۶	باعث پرورش هوش دانش آموزان
۴-۲۹-۳۰-۳۵-۳۹-۴۱-۵۷-۵۸	ساخت اشیاء هنری توسط دانش آموزان
۵-۱۰-۳۴-۴۳-۴۴-۴۹-۵۹	شناخت طبیعت و اجزای آن در خلقت توسط دانش آموزان
۶-۳۳-۳۶-۴۸-۵۰-۵۶	شناخت زیبایی های طبیعت توسط دانش آموزان
۷-۹-۱۵-۱۶-۴۷-۵۱-۵۲-۵۳	شناخت میراث فرهنگی توسط دانش آموزان
۸-۱۳-۱۴-۲۰-۲۸-۳۱-۳۲-۳۷-۴۲-۶۰	تقویت حواس پنج گانه دانش آموزان

از طریق محاسبه آلفای کرانباخ (در مورد سؤالات و پرسشنامه) برآورد شد. ضرایب محاسبه شده در همه موارد بالاتر از ۰/۹۲ بود که از نظر ملاک های روان سنجی مورد تایید است. در مرحله پایانی سئوالاتی که شاخص مناسب روان سنجی را کسب نمودند تعداد ۶۰ سئوال برای آموزگاران هنر انتخاب شد، و برای پرسشنامه اصلی مورد استفاده قرار گرفت.

یافته ها

در جدول ۲ فراوانی اطلاعات جمعیت شناختی معلمان مورد مطالعه شامل جنسیت، سن، سابقه کار و میزان تحصیلات ارائه شده است.

جدول شماره ۲: اطلاعات جمعیت شناختی معلمان مورد مطالعه

فرآوانی	درصد فرآوانی	فرآوانی تجمعی	درصد فرآوانی تجمعی	
جنس				
زن	۱۴۴	۱۱۴	۷۲٪	
مرد	۵۶	۲۰۰	۲۸٪	۱۰۰٪
سن				
۲۰ تا ۲۵	۱۰	۱۰	۵٪	
۲۵ تا ۳۰	۴۴	۵۴	۲۲٪	
۳۰ تا ۳۵	۴۸	۱۰۲	۲۴٪	
۳۵ تا ۴۰	۶۰	۱۶۲	۳۰٪	
۴۰ تا ۴۵	۳۲	۱۹۴	۱۶٪	
۴۵ به بالا	۶	۲۰۰	۳٪	۱۰۰٪
سابقه کار				
۰ تا ۵	۱۴	۱۴	۷٪	
۵ تا ۱۰	۴۴	۵۸	۲۲٪	
۱۰ تا ۱۵	۹۰	۱۴۸	۴۵٪	
۱۵ تا ۲۰	۳۰	۱۷۸	۱۵٪	
۲۰ تا ۲۵	۲۰	۱۹۸	۱۰٪	
۲۵ تا ۳۰	۲	۲۰۰	۱٪	۱۰۰٪
میزان تحصیلات				
فوق دیپلم	۵۰	۵۰	۲۵٪	
لیسانس	۹۸	۱۴۸	۴۹٪	
فوق لیسانس و بالاتر	۵۲	۲۰۰	۲۶٪	۱۰۰٪

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود ۷۲ درصد زن و ۲۸ درصد مرد بودند. پنج درصد معلمان نمونه آماری سن ۲۰ تا ۲۵ سال، ۲۲ درصد ۲۵ تا ۳۰ سال، ۲۴ درصد ۳۰ تا ۳۵ سال، ۳۰ درصد ۳۵ تا ۴۰ سال، ۱۶ درصد ۴۰ تا ۴۵ سال و ۳ درصد ۴۵ سال به بالا داشتند. هفت درصد معلمان نمونه آماری سابقه ۰ تا ۵ سال، ۲۲ درصد ۵ تا ۱۰ سال، ۴۵ درصد ۱۰ تا ۱۵ سال، ۱۵ درصد ۱۵ تا ۲۰ سال، ۱۰ درصد ۲۰ تا ۲۵ سال و ۱ درصد ۲۵ تا ۳۰ سال به بالا سابقه داشتند. ۲۵ درصد معلمان نمونه آماری دارای تحصیلات فوق دیپلم، ۴۹ درصد لیسانس و ۲۶ درصد فوق لیسانس و بالاتر بودند.

جدول شماره ۳: میانگین، خطای معیار میانگین، انحراف معیار، نمرات نظرات آموزگاران درباره وضعیت تربیت هنری در مدارس ابتدایی

انحراف معیار	خطای معیار میانگین	تفاوت میانگین	میانگین نمره	میانگین ملاک	T	وضعیت تربیت هنری در مدارس ابتدایی
۰/۳۱	۰/۱	۰/۱۰	۲/۶۰	۲/۵	۴/۴۲*	بیان داستان تخیلی توسط دانش آموزان
۰/۲۱	۰/۰۱	۰/۱	۲/۵۱	۲/۵	۴/۴۲*	باعث پرورش هوش دانش آموزان
۰/۰۱۲	۰/۶۸	۰/۶۸	۱/۸۲	۲/۵	۴/۳۸*	ساخت اشیاء هنری توسط دانش آموزان
۰/۳۲	۰/۴۶	۰/۴۶	۲/۰۴	۲/۵	۴/۵۰*	شناخت طبیعت و اجزای آن در خلقت توسط دانش آموزان
۰/۲۱	۰/۶۲	۰/۶۲	۱/۸۸	۲/۵	۴/۵۰*	شناخت زیبایی های طبیعت توسط دانش آموزان
۰/۳۲	۰/۶۱	۰/۶۱	۱/۸۹	۲/۵	۴/۷۸*	شناخت میراث فرهنگی توسط دانش آموزان
۰/۲۳	۰/۶۵	۰/۶۵	۱/۸۵	۲/۵	۴/۶۷*	تقویت حواس پنج گانه دانش آموزان
۰/۳۶	۰/۵۶	۰/۵۶	۱/۹۴	۲/۵	۴/۲۰*	ایجاد علاقه مندی در دانش آموزان به اقوام، آداب و رسوم
۰/۴۱	۱/۲	۰/۵۶	۱/۹۴	۲/۵	۴/۱۰*	درک قوانین جهان آفرینش از طریق مشاهده در آثار خلقت

* $P < 0.05$.

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می شود مقدار $t = 4/38$ ، ساخت اشیاء هنری توسط دانش آموزان ($P < 0/05$ ، $t = 4/38$)، شناخت طبیعت و اجزای آن در خلقت توسط دانش آموزان، ($P < 0/05$ ، $t = 4/50$)، شناخت زیبایی های طبیعت توسط دانش آموزان ($P < 0/05$ ، $t = 4/34$)، شناخت میراث فرهنگی توسط دانش آموزان ($P < 0/05$ ، $t = 4/78$)، تقویت حواس پنج گانه دانش آموزان ($P < 0/05$ ، $t = 4/67$)، درک قوانین جهان آفرینش از طریق مشاهده در آثار خلقت توسط دانش آموزان ($P < 0/05$ ، $t = 4/23$)، جهان آفرینش از طریق مشاهده در آثار خلقت توسط دانش آموزان ($P < 0/05$ ، $t = 4/10$)، کمتر از حد متوسط می باشد، بدین معنی که تربیت هنری در ابعاد مذکور در مدارس ابتدایی به خوبی صورت نمی گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

تأثیر تربیتی آموزش هنر در رشد سایر ابعاد شناختی و عاطفی فراگیران بر هیچ نظام آموزشی پوشیده نیست. بنابراین، بررسی عوامل تأثیرگذار بر این امر می‌تواند به غنی‌سازی این مقوله مهم کمک کند. از آنجا که معلمان هنر نقش اساسی در تربیت هنری بازی می‌کنند و شناسایی نظرات آنان در این زمینه و متعاقب آن، تجدید نظر در برنامه‌های درسی و یا ارائه راهکارهایی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد، مطالعه حاضر با هدف بررسی نظر معلمان هنر به وضعیت تربیت هنری انجام شد. تحلیل و تفسیر یافته‌های به دست آمده از بررسی حاضر در این بخش، از دو منظر نظری و عملی، قابل بحث و بررسی هستند. در مباحث نظری، توجه به تربیت هنری مطلوب مطرح می‌شود تلاش در جهت رشد و شکوفایی قابلیت‌ها و استعدادهای هنری و زیباشناختی فراگیران است. تربیت هنری به معنای رشد آگاهی و حساسیت نسبت به ویژگی‌های زیباشناسانه اشیا و پدیده‌هاست که فرصتی منحصر به فرد برای بهبود قدرت آفرینندگی در فراگیران ایجاد می‌کند و باید به گونه‌ای باشد که هم فرد را به خودسازی برساند و هم با طبیعت انسان همخوان باشد. به بیانی دیگر، هدف از تربیت هنری، توسعه و آشکارسازی توانایی‌های خلاقانه در فراگیران است. اهمیت این کارکرد، از آن روست که در ابعاد مختلفی نظیر: بروز خلاقیت، رشد عاطفی و اخلاقی، ایجاد مهارت‌های حرکتی، پرورش قابلیت‌های گروهی و ارتباطی و افزایش قدرت تفکر انتقادی فراگیران دارای تأثیرات قابل ملاحظه‌ای است. و از منظر عملی نیز به بررسی چالش‌ها و آسیب‌هایی که در زمینه تربیت هنری از نظر معلمان وجود دارد، پرداخته می‌شود. در زمینه یافته‌های به دست آمده، این سؤال‌ها به عنوان چالشی اساسی در نظام آموزشی و برنامه درسی تربیت هنری باید مورد توجه قرار بگیرد نگاه و اثرگذاری و کارآمد در تربیت هنری چیست (امین خندقی و پاک مهر، ۱۳۹۲).

داده‌های حاصل از این پژوهش به وسیله‌ی آزمون‌های t تک نمونه‌ای مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تجزیه و تحلیل‌های آماری نشان داد که در مدارس، ساخت اشیاء هنری توسط دانش آموزان، شناخت زیبایی‌های طبیعت توسط دانش آموزان، شناخت میراث فرهنگی

توسط دانش آموزان، تقویت حواس پنج گانه دانش آموزان، درک قوانین جهان آفرینش از طریق مشاهده در آثار خلقت توسط دانش آموزان، ایجاد علاقه مندی در دانش آموزان به اقوام، آداب و رسوم ایران، کمتر از حد متوسط می باشد. این یافته با نتایج مهرمحمدی و همکاران (۱۳۸۰) و هید، استابروک، نوسترانت (۲۰۰۹) و ارنشتاین و هانکین (۲۰۰۹) همخوان است.

به اعتقاد ادلایفسن^۱ (۱۹۹۶)، در پارادایم جدید تعلیم و تربیت، حفظ استانداردهای بالای آموزشی در گرو قرار دادن هنر و زیبایی‌شناسی در مرکز و هسته اصلی برنامه درسی یا اصلاح نظام آموزشی است. از دید بسیاری از افراد شاخص و برجسته در حوزه تعلیم و تربیت و خارج از آن، تربیت هنری باید حتی به یک بخش اساسی از برنامه درسی مدارس بدل گردد. باید به هنر در کنار مهارت‌های اساسی سه‌گانه‌ای که به رسمیت شناخته شده است (خواندن، نوشتن و حساب کردن)، به عنوان چهارمین مهارت اساسی و پایه در برنامه درسی تأکید شود. از همین رو ضرورت دارد معلمان با توجه به موارد پنج گانه تربیت هنری شامل ارتباط با طبیعت، زیبایی‌شناسی، تولید محصول هنری، آشنایی با تاریخ و میراث فرهنگی هنری، و نقد هنری، بر کارکرد ابزاری هنر اصرار ورزیده و با تأکید بر نقش تربیت هنری در تحقق اهداف شناختی و رشد مهارت‌های فکری پیشرفته در دانش‌آموزان، برای مشروعیت‌بخشی تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش تلاش کنند. این پژوهش بر روی آموزگاران آموزش و پرورش ناحیه دو قزوین انجام گرفت، بنابراین ممکن است بررسی وضعیت تربیت هنری در سایر مناطق آموزش و پرورش که به لحاظ اجتماعی اقتصادی ضعیف تر از ناحیه دو هستند، آموزنده باشد. دوم، به نظر می‌رسد استفاده از روش مشاهده کلاسی برای جمع آوری داده‌ها می تواند در کنار پرسشنامه مناسب باشد، امری که به دلیل محدودیت های زمانی و اقتصادی صورت نگرفت. سوم، در پژوهش حاضر تنها دیدگاه آموزگاران مورد بررسی قرار گرفت، ضرورت دیدگاه مدیران آموزشگاهها با توجه به نقشی که در تعیین سیاستها و خط مشی آموزشی مدارس دارند می‌تواند سودمند باشد. بر اساس نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آتی به بررسی وضعیت تربیت هنری در سایر مناطق آموزش و پرورش بپردازند. از روش مشاهده کلاسی برای جمع آوری داده‌ها استفاده شود. دیدگاه مدیران آموزشگاهها را با توجه به نقشی که در

¹ Oddleifson

تعیین سیاست‌ها و خط مش آموزشی مدارس دارند، در مورد تربیت هنری نیز مورد مطالعه قرار بگیرد. بررسی وضعیت تربیت هنری در مدارس از دیدگاه دانش آموزان نیز بررسی شود

نتایج نشان داد که تربیت هنری در ابعاد ساخت اشیاء هنری توسط دانش آموزان، شناخت طبیعت و اجزای آن در خلقت توسط دانش آموزان، شناخت زیبایی های طبیعت، شناخت میراث فرهنگی، تقویت حواس پنج گانه دانش آموزان، درک قوانین جهان آفرینش از طریق مشاهده در آثار خلقت، جهان آفرینش از طریق مشاهده در آثار خلقت، کمتر از حد متوسط می باشد، بدین معنی که تربیت هنری در ابعاد مذکور در مدارس ابتدایی به خوبی صورت نمی گیرد، بنابر این پیشنهاد می شود آموزگاران و مدیران مدارس برای تقویت ابعاد مذکور برنامه ریزی کرده و با استفاده از مکانیزم‌های ترغیبی مانند ایجاد نمایشگاه و فروشگاه در مدارس که دانش آموزان بتوانند هنرهای دستی خود را در آن عرضه کنند و همچنین با انجام اقدامات دیگری مانند برپایی اردوهای گردش و علمی، نمایش فیلم و انیمیشن به منظور شناخت بیشتر دانش آموزان از میراث فرهنگی و جهان آفرینش نسبت به تقویت ابعاد هنری مذکور اقدام نمایند.

تشکر و قدردانی

از همه معلمانی که در این پژوهش شرکت کردند و با همکاری صمیمانه آنها اجرای پژوهش امکان پذیر گردید، تشکر و قدردانی می گردد.

منابع و ماخذ

آقای ابرندآبادی، سیده الهام؛ ماهروزاده، طیبه و ایمانی نائینی، محسن (۱۳۹۹). رویکرد ساحت تربیت هنری و زیبایی‌شناختی، رویکرد موضوع محور یا رویکرد دریافت احساس و معنا. پژوهش در برنامه ریزی درسی. ۱۷(۶۵)، ۱-۱۱.

امین خندقی، مقصودو پاک‌مهر، حمیده (۱۳۹۲). حاکمیت سنت دیسیپلین محوری بر جهت‌گیری‌های برنامه درسی تربیت هنری معلمان هنر دوره راهنمایی تحصیلی: چالش‌ها و آسیب‌ها. رویکردهای نوین آموزشی. ۱۸(۱)، ۲۱-۴۶.

- جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره و عبدلی، افسانه (۱۳۹۶). زیبایی‌شناسی و هنر از دیدگاه ماکسین گرین و اشارات تربیتی آن. *رویکردهای نوین آموزشی*. ۱۲(۲)، ۴۵-۲۱.
- رضایی، منیره (۱۳۹۲). تربیت هنری در نظام آموزشی ایران. *فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات*. ۱۴(۲۲)، ۲۹-۷.
- فلاحی، ویدا؛ صفری، یحیی و یوسف فرحنگ، ماندانا (۱۳۹۰). تأثیر آموزش با رویکرد تربیت هنری بر فعالیت های هنری و مهارت های فرآیندی دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی. *نوآوری های آموزشی*. ۱۰(۳)، ۱۱۸-۱۱۰.
- فیروزی، محمد؛ سیفی، محمد؛ حسینی مهر، علی و فقیهی، علیرضا (۱۳۹۷). جایگاه محورهای تربیت هنری، ساختار محتوایی و الگوی سه وجهی برنامه درسی در کتاب های درسی فرهنگ و هنر دوره اول متوسطه. *نظریه و عمل در برنامه درسی*. ۶(۱۱): ۳۱-۶۶.
- محمد مرادی، رحیم (۱۳۹۰). *بررسی ارزشیابی فعالیت های یاددهی یادگیری درس هنر و تأثیر ویژگی های معلمان در آن*. در بین دانش آموزان ابتدایی پایه پنجم شهرستان سرپل زهاب. دانشگاه پیام نور مرکز همدان، پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش.
- مهر محمدی، محمود و امین خندقی، مقصود (۱۳۸۸). مقایسه ایدئولوژی های برنامه درسی آیزنر با میلر: نگاهی دیگر، *مطالعات تربیتی و روان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد*. ۱۰(۱): ۴۵-۲۷.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۷۹). *بازاندیشی فرایند یاددهی- یادگیری و تربیت معلم*. چاپ اول. انتشارات مدرسه.
- مهرمحمدی، محمود و امینی، محمد. (۱۳۸۰). طراحی الگوی مطلوب تربیت هنری در دوره ابتدایی، *علوم انسانی الزهراء*. ۱۱(۳۹): ۲۴۶-۲۱۹.
- De Backer, F., Lombaerts, K., De Mette, T., Buffel, T., & Elias, W. (2012). Creativity in artistic education: Introducing artists into primary schools. *International Journal of Art & Design Education*, 31(1), 53-66.
- Eisner, E. W. (2005). *Reimagining schools: The selected works of Elliot W. Eisner*. Taylor & Francis.
- Fürst, H., & Nylander, E. (2020). The worth of art education: Students' justifications of a contestable educational choice. *Acta Sociologica*, 63(4), 422-435.

- González-Zamar, M. D., & Abad-Segura, E. (2021). Digital design in artistic education: An overview of research in the university setting. *Education Sciences, 11*(4), 144.
- Gradle, S. A. (2009). Another look at holistic art education: Exploring the legacy of Henry Schaefer-Simmern. *International Journal of Education & the Arts, 10*(1): 1-21.
- Heid, K. A. (2005). Aesthetic development: A cognitive experience. *Art Education, 58*(5), 43-49.
- Heid, K. A. (2008). Care, sociocultural practice, and aesthetic experience in the artclassroom. *Visual Arts Research, 34*(1), 87-98.
- Heid, K., Estabrook, M., & Nostrant, C. (2009). dancing with line: inquiry, democracy, and aesthetic development as an approach to art education. *International Journal of Education & the Arts, 10* (3): 1-21.
- Lai, A., & Kan, K. H. (2020). Critical tourism as a pedagogy for art education abroad. *Studies in Art Education, 61*(2), 142-154.
- Lemonchois, M. (2021). As Artistic practical activities in art education. *Palíndromo, 13*(29), 75-89.
- Leung, B. W., & Leung, E. C. K. (2010). Teacher-artist partnership in teaching cantonese opera in hongkong schools: Student transformation. *International Journal of Education & the Arts, 11*(5); 1-26.
- Liu, Hua. (2013), Practical Teaching Research of College Art Design, Informatics and Management Science I, *Lecture Notes in Electrical Engineering, 204* 577-583.
- NalburTaşdemir, Vicdan. (2010), Attitudes of the students of primary education class teaching department to the visual arts education course, Marmara University, Atatürk Faculty of Education, Primary Education Department, *Procedia-Social and Behavioral Sciences.2*(2). 2572-2576.
- Perkins, D.N. (1992). *Smart Schools: Better thinking and learning for every child*. The Free Press, New York.
- Upitis, R. (2009). Developing ecological habits of mind through the arts, *International Journal of Education & the Arts, 10* (26): 1-36.